

## مشکلات ویژه کشورهای جنوب صحرای آفریقا

مترجم: ع. ضرغامی

کشورهای جنوب صحرای آفریقا به طور اخص در اثر رکود اقتصادی ضربه پذیر بوده اند. سطح پایین درآمد در اکثر این کشورها، کاهش در بازده تولیدی و اشتغال، سختیهای زیادی را باعث می شود. متوسط درآمد سرانه ۴۵ کشور در منطقه، فقط نصف درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه در کل است. در بین این گروه، ۲۶ کشور، جزء توسعه نیافته ترین کشورها با درآمد سرانه کمتر از ۳۰۰ دلار در سال هستند. حتی در کشورهای صادرکننده مواد معدنی، به ندرت کمتر از  $\frac{۲}{۳}$  جمعیت در بخش کشاورزی کار می کنند که نیمی از بازده آنان از تولید برای معاش ناشی می شود. کشاورزی هنوز در اغلب کشورها پایه اصلی اقتصاد است که سهمی حدود  $\frac{۱}{۳}$  تولید ناخالص داخلی را دارد.

در طی سالهای اوایل دهه ۱۹۸۰، اقتصاد این کشورها در مجموع از رشد بازمانده است (به جدول شماره ۱ مراجعه شود). در کشورهای واردکننده انرژی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در دهه ۱۹۷۰ هم پایین بود و در اوایل دهه ۱۹۸۰ به تقریباً "صفر کاهش یافت". در نتیجه افزایش قیمت نفت در بازارهای بین المللی و اکتشافهای مهم، صادرکنندگان انرژی قادر بودند تحرک قابل توجهی را در دهه ۱۹۷۰ حفظ کنند، اما از سال ۱۹۸۱ بازده جمعی آنها محدود شده است.

تأثیر منفی رکود اقتصادی بین المللی و خشکسالی کنونی، مسائل جدید پایداری را به وجود آورده است. یکی از دلایلی نرخ پایین رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده انرژی از نیمه دهه ۱۹۷۰ آن است که چند کشور منطقه تطبیق خود با نابسامانیهای نیمه اول این دهه را به تأخیر انداختند. قیمت گذاری بالای ارز رایج گردید و در نتیجه حجم صادرات به میزان قابل توجهی کم شد. سهم صادرات کشورهای جنوب صحرای آفریقا در صادرات کل کشورهای در حال توسعه در فاصله اوایل

\* U.N. Survey of World Economy 1984. P.P. 15-20.

دهه ۱۹۷۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰، بیش از  $\frac{1}{3}$  نزول کرد. نزول در سهم صادرات غیرنفتی همان کشورها حتی مشخصتر بود. بدین ترتیب، در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه، صادرات، در تحرک و نوسازی اقتصاد و جا باز کردن برای افزایش ظرفیت واردات نقش فعالی بازی نکرد.

یک عامل مهم دیگر، عملکرد ضعیف بخش کشاورزی بوده است. در تعداد زیادی از کشورها، رشد تولید مواد غذایی و به طور کلی کشاورزی، در نتیجه بهره‌وری پایین در واحد سطح، سرمایه‌گذاری ناکافی، انگیزه‌های مادی ناچیز برای کشاورزی، پژوهشهای محدود، و فشار نهادهای رسمی، بسیار پایینتر از رشد جمعیت مانده است. شرایط حوی نامساعد هم، حتی قبل از دهه ۱۹۸۰، به عملکرد ضعیف چند کشور کمک کرد.

کمبود غذا و قحطی در دهه ۱۹۷۰ محدودتر از اوایل دهه ۱۹۸۰ بود. خشکالی که در سال ۱۹۸۲ آغاز شد و در ۱۹۸۳ گسترده گردید. تخمین زده شده است که در حال حاضر ۱۵۰ میلیون نفر با گرسنگی و سوء تغذیه تهدید می‌شوند. علاوه بر این، خشکالی با یک وضعیت بسیار فشرده، پرداختهای خارجی، همزمان شده که این کشورها را به طور خاص در برابر هر ناسامانی ضربه پذیر کرده است. در نتیجه، بسیاری از آنها مشکلاتی را در افزایش واردات به منظور اضافه کردن به ذخیره مواد غذایی در حال کاهش خویش تجربه می‌کنند.

به رغم کندی در تولید مواد غذایی در طی بیشتر سالهای دهه ۱۹۷۰، برخی رویدادها مانع از آن شد که وضعیت به مرحله بحرانی برسد. اگرچه درآمدهای صادراتی کشورهای واردکننده انرژی کمتر از درآمد صادراتی کشورهای دیگر مناطق رشد کرد، با وجود این برخی افزایشها را نشان می‌داد، بویژه از آنجا که قیمت‌های صادراتی در طول بخش اعظم این دوران در سطح دلخواه باقی ماند. افزایش سریع در درآمدهای صادراتی کشورهای صادرکننده انرژی، صادرات و مهاجرت از کشورهای همسایه را تحریک نمود. در کشورهای واردکننده انرژی، مهاجرت وضعیت بد مواد غذایی را تسکین داد، در حالی که صادرات به کشورهای صادرکننده انرژی و وجوه ارسالی کارگران از آن کشورها، به ظرفیت وارداتی آنها افزود. در این دوران در بسیاری کشورها جریان تأمین مالی رسمی هم با سرعت و به نسبت زیادی افزایش یافت. برخی کشورها (بویژه در میان صادرکنندگان انرژی) همچنین به جریان سرمایه‌های خصوصی دسترسی داشتند و ذخیره‌های بین‌المللی در سطحی معادل تقریباً سه ماه واردات باقی‌ماند. بنابراین، در کل، جایی برای افزایش واردات مواد غذایی بدون کاهش قابل توجه در واردات سایر کالاهای اساسی وجود داشت.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ وضعیت بشدت تغییر کرد. در نتیجه رکود اقتصادی بین‌المللی و افزایش عرضه اضافی برخی کالاهای اولیه، درآمد صادراتی کشورهای واردکننده انرژی به‌گونه‌ای محسوس و مداوم کاهش یافته است. وضعیت در مقایسه با کشورهای واردکننده انرژی در آسیا و آمریکای لاتین که صادراتشان، اگر چه با سرعتی کمتر، همچنان رشد یافته است بسیار نگران‌کننده است. قیمت‌های

کاکائو، قهوه، مس، روغن بادام زمینی و شکر، که محصولات صادراتی عمده این کشورها را تشکیل می‌دهد، پس از سال ۱۹۸۵ افت قابل توجهی را تجربه کردند و در سال ۱۹۸۳ هنوز پایینتر از سطح سال ۱۹۷۹ خود بودند. در این میان، هزینه واردات به افزایش خود ادامه داده و جریان سرمایه‌های کمک توسعه رسمی (ODA) را کم مانده است (به جدول شماره ۲ مراجعه شود). افزایش نرخ بهره به یک جریان خروجی اضافی منابع منجر شده است، گرچه به وسعت دیگر کشورهای در حال توسعه نیست. در بسیاری کشورها، ذخیره‌های بین‌المللی به تدریج تحلیل رفته است، و به اجبار واردات به‌طور قابل توجهی محدود شده است. سقوط حجم واردات، در بین سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳، در واقع بدون وقفه بود.

درآمدهای صادراتی کشورهای صادرکننده انرژی - آنگولا، کامرون، کنگو، گابون و نیجریه - افزایش محسوسی را در سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۸۵ تجربه کرد. گرچه درآمدهای صادراتی کشورهای کوچکتر در سال ۱۹۸۱ هم به افزایش خود ادامه داد، نزول قابل توجهی در صادرات نفت نیجریه به وجود آمد. این کشور نه فقط تحت تأثیر بازار ضعیف نفت، بلکه همچنین تحت تأثیر توافق اوپک برای کاهش حجم صادرات نفت قرار گرفت. درآمد صادراتی نیجریه، هم در سال ۱۹۸۲ و هم ۱۹۸۳ به کاهش خود ادامه داد، که هر سال بیش از ۱۵٪ بود. این امر، همراه با بدهی خصوصی به نسبت زیادی، به فشار سختی بر موازنه پرداختها و بر فعالیت کلی اقتصاد منجر شد. افزون بر این، از آنجا که بزرگی اقتصاد و بازده تولیدی سریعا گسترش یافته این کشور آن را به قطب رشد در منطقه تبدیل کرده بود، محدود شدن فعالیت اقتصادی‌اش، اثرهای قابل توجهی بر کشورهای همسایه داشته است. مسائل این کشورها، وقتی که از بسیاری کارگران مهاجر خواسته شد تا به کشور خود بازگردند، اضافه شد.

روند نزولی قیمت‌های صادراتی که در پایان دهه ۱۹۷۰ آغاز شد به وضوح ضربه‌پذیری وضعیت موازنه پرداختها در بسیاری کشورهای جنوب منطقه صحرا را آشکار ساخت. در نتیجه اقدام‌های تعدیلی مختلف، و بیشتر در ارتباط با صندوق بین‌المللی پول، در پیش گرفته شد. با وجود این، همچنان که رکود اقتصادی جهانی عمیقتر می‌شد و بیشتر از آنچه انتظار می‌رفت طول کشید، برنامه‌های تعدیلی می‌باید به طور مکرر تجدید نظر و تمدید می‌شدند. به این ترتیب، از سال ۱۹۷۹ در هر سال، نزدیک یک دوجین از کشورهای جنوب صحرای آفریقا برای برنامه‌های تعدیلی پشتیبانی شده توسط صندوق بین‌المللی پول قرارهای احتیاطی\* با صندوق را آغاز کردند.

برنامه‌های در چارچوب کمک صندوق بین‌المللی پول تغییر قابل توجهی در سیاست‌های عمومی اقتصادی را با هدف تصحیح عدم توازنهای داخلی و خارجی در نظر داشته است. در بعضی موارد، ارزش پول به میزان قابل توجهی پایین آمده است. در تلاش برای کاهش کسری بودجه و تصحیح عدم

---

\* قراری که به موجب آن یک کشور عضو صندوق می‌تواند به صورت مساعده مورد نیاز، فوراً از حقوق خود استفاده کند.

تناسب در نظام قیمت‌گذاری داخلی، افزایش زیادی در قیمت‌های تولیدی کالاهای کشاورزی به وجود آمده است، و کمک‌های مالی دولتی (سوبسید) به مواد غذایی اساسی و سوخت به تدریج برداشته شده است. به علاوه در چند کشور اصلاحاتی در مؤسسه‌های دولتی مطرح شده است. این بدان معنی نیست که اجرای برنامه‌های تعدیلی آسان بوده است. در واقع، انجام بدون اشکال و به موقع هدف‌های تعدیلی در میان علت‌های دیگر، به واسطه عوامل خارجی، مشکلاتی در بسیج پشتیبانی سیاسی کافی برای اقدام‌های تعدیلی ضروری، محدودیت‌هایی در زیربنای اداری و تأخیر یا کسری در جریان ورودی سرمایه، خالص از کمک توسعه رسمی (ODA)، نه قاعده بلکه استثنا بوده است.

گرچه اکثر این برنامه‌های تعدیلی در آغاز برای مدت یک سال بود (و بسیاری به اجبار تمدید شد)، از ابتدا روشن بود که برخی از برنامه‌های تعدیلی دوره طولانی‌تر و تغییرات داخلی مهمتری را ایجاد می‌کرد. در واقع برخی کشورها از تسهیلات تعدید شده صندوق کمک دریافت کردند، در حالی که بعضی دیگر در برنامه وام‌دهی برای تعدیل ساختاری بانک جهانی مشارکت کردند.

اما به رغم تغییر در سیاستها که تاکنون انجام شده است، بعید است که فشارهای موازنه پرداختها در کوتاه مدت فروکش کند، بویژه از آنجا که بیش بینی می‌شود بازارهای صادراتی منطقه برای آینده نزدیک در کساد باقی بمانند. انتظار می‌رود درآمدهای صادرات نفت به دلیل تقاضای ضعیف جهانی راکد مانده و ذخیره‌های زیادی در بازارهای جهانی برای دیگر کالاهای مورد توجه کشورهای جنوب صحرای آفریقا انتظار افزایش مستمر در قیمت صادرات آنها را به تعویق اندازد. این دورنماهای تیره و نارکوتاه مدت حرکت به سوی تغییر شکل صادرات، انتقال انرژی و عملکرد بهتر کشاورزی را حتی مبرمتر می‌کند.

با وجود این، افرون بر اصلاحاتی که این کشورها می‌توانند خود در پیش گیرند، سایر اصلاحات، سرمایه‌گذاری‌هایی را ایجاد می‌کند که در حال حاضر ورای ظرفیت آنهاست. بنابراین پشتیبانی خارجی مناسب ضروری است تا به کشورهای جنوب صحرای آفریقا کمک کند که پیشرفت در آنچه را که یک فرایند تعدیلی دردناک شده است، شتاب بخشند. تعهدات با برجا به اصلاح سیاستها نباید با اوضاع تیره بی‌اعتنا و وضعیت کنونی نداری اضطراری کمک غذایی به میرانی بسیار افزایش یافته را ایجاد می‌کند. بهبود در وضعیت موجودی ارز هم تعیین کننده است، چرا که کمبود گسترده عوامل اساسی تولید و مواد اولیه تلاش‌های سرمایه‌گذاری و برخی فعالیت‌های تولیدی صنعتی را در واقع متوقف نموده است. علاوه بر این، چنان کمبودهایی ممکن است اثر مثبت اصلاحات اخیر در سیاست‌گذاری را با تشدید تورم به مخاطره بیندازد.

نیازهای خاص منطقه توسط مؤسسه‌هایی همچون بانک جهانی، که سهم بزرگتری از کمک اعطایی برای سه سال آینده را به کشورهای جنوب صحرای آفریقا تخصیص داده است، به رسمیت شناخته شده

است. دبیر کل سازمان ملل اخیراً، ابتکار مهمی را برای متمرکز ساختن توجه جهانی بر روی بحران کنونی آغاز کرده است، تا به بسیج منابع اضافی و افزایش تلاشهای جامعه بین المللی، از طریق فعالیت هماهنگ، کمک کند.

جدول شماره ۱. کشورهای در حال توسعه در جنوب صحرای آفریقا: نرخ رشد سالانه در متغیرهای کلیدی ۱۹۷۰-۱۹۸۳ (درصد)

۱۹۸۳-۱۹۸۰	۱۹۷۹-۱۹۷۶	۱۹۷۵-۱۹۷۰	
			تولید ناخالص داخلی واقعی
۰/۰	۳/۰	۴/۵	کل
۰/۶	۲/۱	۲/۸	واردکنندگان انرژی
-۰/۴	۳/۹	۶/۱	صادرکنندگان انرژی (الف)
			تولید کشاورزی
۱/۹	۱/۱	۱/۶	کل
-۱/۱	-۱/۵	-۱/۲	سرانه
			تولید مواد غذایی
۲/۱	۱/۵	۱/۶	کل
-۱/۰	-۱/۴	-۱/۲	سرانه
			یادداشت
			درصد سهم صادرات در صادرات کل کشورهای در حال توسعه (ب)
۷/۵	۸/۶	۱۱/۸	کل
۷/۰	۹/۲	۱۸/۶	صادرات غیرنفتی

منبع: اداره امور اقتصادی و اجتماعی بین المللی دبیرخانه سازمان ملل، برپایه گزارشهای صندوق بین المللی پول، آمار مالی بین المللی و اطلاعات فراهم شده توسط سازمان کشاورزی و مواد غذایی سازمان ملل (FAO) و کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD).  
 (الف): آنگولا، کامرون، کنگو، گابون و نیجریه.  
 (ب): اطلاعات مربوط به سالهای ۱۹۷۰، ۱۹۷۸ و ۱۹۸۲ است.

جدول شماره ۲. کشورهای در حال توسعه در جنوب صحرای آفریقا. تجارت و ذخیره بین المللی

۱۹۷۸ - ۱۹۸۳

۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	
۲۹/۵	۳۴/۴	۳۸/۸	۵۳/۱	۳۹/۰	۲۶/۸	صادرات کالا (میلیارد دلار)
۱۲/۵	۱۳/۶	۱۵/۲	۱۹/۰	۱۶/۵	۱۳/۳	وارد کنندگان انرژی
۱۷/۰	۲۰/۸	۲۳/۶	۳۳/۱	۲۲/۵	۱۳/۵	صادرکنندگان انرژی
۳۲/۳	۳۹/۴	۴۲/۹	۴۴/۹	۳۲/۲	۳۲/۶	واردات کالا (میلیارد دلار)
۱۶/۱	۱۸/۹	۲۰/۹	۲۴/۰	۱۸/۹	۱۷/۱	وارد کنندگان انرژی
۱۶/۲	۲۰/۵	۲۲/۰	۲۰/۹	۱۳/۴	۱۵/۵	صادرکنندگان انرژی
۱۱/۲	۹/۱	۱۲/۳	۱۸/۳	۱۶/۷	۹/۵	ذخیره ناخالص (در پایان دوره) به عنوان درصدی از صادرات
۱۳/۷	۹/۵	۹/۱	۷/۵	۱۰/۶	۱۱/۱	واردکنندگان انرژی
۹/۲	۸/۷	۱۵/۶	۲۰/۶	۲۵/۴	۷/۷	صادرکنندگان انرژی
						قیمت کالاهای صادراتی اصلی (۱۹۷۷ = ۱۰۰)
۴۸	۴۰	۴۷	۳۹	۳۳	۳۹	کاکائو
۵۵	۴۹	۴۶	۶۵	۳۳	۶۵	قهوه
۱۲۱	۱۱۲	۱۳۲	۱۶۶	۱۵۱	۱۹۲	مس
۱۱۸	۱۰۱	۱۱۷	۱۳۱	۱۴۸	۱۶۱	پنبه
۸۳	۶۸	۱۲۲	۱۰۹	۱۰۴	۱۲۶	روغن بادام زمینی
۱۴۳	۱۴۷	۱۶۹				شکر
						کشورهای وارد کننده انرژی: (الف) شمال جامع علوم انسانی
۱۵۲	۱۵۰	۱۵۵	۱۵۳	۱۵۸	۱۱۰	ارزش واحد واردات (۱۹۷۷ = ۱۰۰)
...	۵/۶	۵/۷	۵/۵	۵/۶	۴/۷	پرداخت خالص واقعی کمک توسعه رسمی (ODA) (ب) (میلیارد دلار)

منبع: اداره امور اقتصادی و اجتماعی بین المللی درختان حایمان ملل، بر پایه گزارشهای صندوق بین المللی پول، آمار بین المللی و دورهای اقتصادی حایمان (واشنگتن دی. سی. ۱۹۸۳)؛ و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، همکاری توسعه، نشریه ۱۹۸۳ (پاریس ۱۹۸۳).

(الف): شامل کامرون، کنگو، گابون و آنگولا.

(ب): به قیمتها و نرخ تسعیر ۱۹۷۷. متعلق شده یا صرف شده توسط (ODA) کمک توسعه رسمی کشورهای عضو DAC (کمیته کمک توسعه حایمان همکاری و توسعه اقتصادی).